



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان شناسی

گروه فرهنگ و زبان های باستانی

رسالة دکتری رشته فرهنگ و زبان های باستانی

پژوهشگر:

فاطمه شبانی فرد

آذرماه ۹۷

چکیده فارسی

جنوب استان کرمان که «رودبارزمین» نامیده می‌شود، از تنوع گویشی و زبانی زیادی برخوردار است. گویش غالب در این منطقه، گویش رودباری است که از مجموعه گویش‌های بشکردی به شمار می‌رود. در شهرستان رودبار جنوب، به مرکزیت شهر اسلام‌آباد، در روستایی با نام تم‌میری، طایفه‌ای به نام «براهویی» زندگی و به زبانی غیرایرانی به همین نام تکلم می‌کنند. براهویی‌ها مردمانی هستند از نژاد دراویدی‌های هند، که عمدتاً در بلوچستان پاکستان زندگی می‌کنند و به یک زبان دراویدی تکلم می‌کنند. گروهی از براهویی‌ها در طول قرن‌های گذشته از طریق مرز پاکستان و افغانستان به جنوب شرق ایران مهاجرت کرده‌اند. تاریخ ورود براهویی‌ها به ایران نامشخص است، اما بر اساس گفته‌ی مطلعین و گویشوران محلی، ورود براهویی‌ها به ایران حدود سیصد تا چهارصد گذشته بوده‌است. براهویی‌های ساکن رودبار جنوب دو قرن پیش از سیستان و بلوچستان به جنوب استان کرمان مهاجرت کرده‌اند و امروزه اغلب آنها در روستای تم‌میری ساکن‌اند. پژوهش حاضر به توصیف ساختاری گونه براهویی رودباری و مقایسه آن با گویش رودباری می‌پردازد. داده‌های زبانی براهویی رودباری به شیوه میدانی و از طریق مصاحبه با گویشوران مرد و زن از سطوح مختلف سنی (نوجوان تا کهنسال)، تحصیلی (بی‌سواد تا باسواد) و جنسی (زن و مرد) گردآوری شده است و سپس مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. داده‌های گویش رودباری به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. در گونه براهویی رودباری، علاوه بر واج‌های /g/ و /x/، جفت واج‌های لپی شده /g^w/ و /x^w/ نیز وجود دارد که واج‌های خاص گویش رودباری‌اند که از طریق وام‌واژه‌ها، به گونه براهویی راه یافته‌اند. /ie/ و /ue/ واژه‌های مرکب خاص گویش رودباری‌اند که در گونه براهویی رودبار در وام‌واژه‌های رودباری و هم در واژه‌های اصیل براهویی به کار رفته‌اند. از جمله مهم‌ترین ویژگی صرفی گونه براهویی رودباری، وجود هفت حالت صرفی (نهادی، رای، دری، ازی، بایی، به‌ای/برایی و اضافی) است که خاص این گونه است و در گویش رودباری وجود ندارد. اجزای جمله در گونه براهویی رودبار به گویش رودباری شباهت دارد و شامل نهاد، مفعول، متمم، قید، تمیز، بدل، مسند و فعل است.

کلید واژه‌ها: دراویدی - براهویی رودبار - گویش رودباری - گویش‌شناسی - برخورد زبانی - قرض‌گیری

فهرست نشانه‌ها

b	ب
p	پ
d	د
t	ت
□	د برگشتی
□	ت برگشتی
g	گ
k	ک
ʔ	همزه
ǰ	ج
č	چ
v	و
f	ف
z	ز
s	س
ž	ژ
š	ش
γ	غ
h	ه
x	خ
m	م
n	ن
l	ل
ɫ	ل سایشی
r	ر
□	ر برگشتی
r	ز چندزنجی
y	ی

x ^w	خ لیبی شده
g ^w	گ لیبی شده
a	آ
□	آ
e	ا
o	اُ
u	او
i	ای
ie	ایِ
ue	اوِ

فهرست نمودارها، نقشه‌ها و جدول‌ها

صفحه	عنوان
۱۵	نمودار ۱-۱- خانواده زبان‌های دراویدی
۱۵	نمودار ۱-۲- شاخه شمالی خانواده زبان‌های دراویدی
۱۹	نمودار ۱-۳- گویش‌های بشکردی
۳۶	نمودار ۱-۳- زبان‌های ایرانی باستان
۳۶	نمودار ۲-۳- زبان‌های ایرانی میانه
۳۶	نمودار ۳-۳- زبان‌های ایرانی نو
۲۷	نقشه ۱-۲- کرمان
۲۸	نقشه ۲-۲- رودبار زمین
۲۹	نقشه ۳-۲- رودبار جنوب
۳۱-۳۲	جدول ۱-۲- مشخصات گویشوران
۵۹	جدول ۱-۴- همخوان‌های گونه براهویی رودباری
۶۰	جدول ۲-۴- همخوان‌های دارای ویژگی آوایی ثانویه در براهویی رودباری
۶۰	جدول ۳-۴- همخوان‌های گویش رودباری
۶۰	جدول ۴-۴- همخوان‌های دارای ویژگی آوایی ثانویه در گویش رودباری
۶۶	جدول ۵-۴- واژه‌های گونه براهویی رودباری
۶۶	جدول ۶-۴- واژه‌های گویش رودباری
۷۵-۷۴	جدول ۷-۴- توزیع خوشه‌های همخوانی در براهویی رودباری
۸۰	جدول ۸-۴- حالت نهادی
۸۲	جدول ۹-۴- حالت رایبی
۸۳	جدول ۱۰-۴- حالت به‌ای/ برایی
۸۴	جدول ۱۱-۴- حالت اضافی
۸۶	جدول ۱۲-۴- حالت دری
۸۷	جدول ۱۳-۴- حالت ازی
۸۹	جدول ۱۴-۴- حالت بایی
۱۱۷	جدول ۱۵-۴- فهرست چند ماده مضارع و ماضی ساده و اصلی در گویش رودباری

جدول آوانگاری بین‌المللی (IPA)

the international phonetic alphabet (2005)

consonants (pulmonic)	LABIAL		CORONAL				DORSAL			LARYNGEAL		
	Bilabial	Labio-dental	Dental	Alveolar	Palato-alveolar	Retroflex	Alveolo-palatal	Palatal	Velar	Uvular	Pharyngeal	Glottal
Nasal	m	ɱ		n		ɳ	ɲ	ŋ		ɴ		
Plosive	p b			t d		ʈ ɖ	c ɟ	k ɡ	q ɢ	ʔ	ʕ	
Fricative	ɸ β	f v	θ ð	s z	ʃ ʒ	ʂ ʐ	ç ʝ	x ɣ	χ ʁ	ħ ʕ	h ɦ	
Approximant		ʋ		ɹ		ɻ	j	ɰ				
Tap, flap		ⱱ		ɾ		ɽ						
Trill	ʙ			ʀ						ʀ	ʜ ʕ̠	
Lateral fricative				ɬ ɮ		ɮ̝ ɮ̞	ɬ̝ ɬ̞	ɮ̥ ɮ̦				
Lateral approximant				l		ɭ	ʎ	ʟ				
Lateral flap				ɭ		ɮ̥						

Where symbols appear in pairs, the one to the right represents a modally voiced consonant, except for murmured ɦ. Shaded areas denote articulations judged to be impossible. Light grey letters are unofficial extensions of the IPA.

consonants (non-pulmonic)

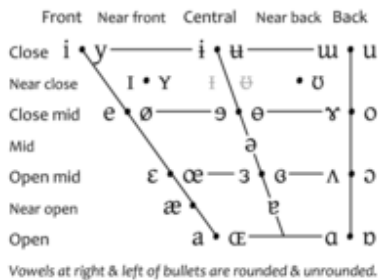
clicks	implosives	ejectives
⊙ Bilabial fricated	ɓ Bilabial	ʼ examples:
Laminar alveolar fricated ("dental")	ɗ Dental or alveolar	ɸ' Bilabial
! Apical (post)alveolar abrupt ("retroflex")	ɟ Retroflex	t' Dental or alveolar
‡ Laminar postalveolar abrupt ("palatal")	f Palatal	k' Velar
Lateral alveolar fricated ("lateral")	ɠ Velar	ɬ' Lateral affricate
⋈ Velar (back released)	ɠ Uvular	s' Alveolar fricative

consonants (co-articulated)

ɱ	Voiceless labialized velar approximant	//morphophonemic//
ɰ	Voiced labialized velar approximant	/phonemic/
ɣ	Voiced labialized palatal approximant	[phonetic]
ɣ̟	Simultaneous x and f (existence disputed)	<orthographic>
tʃ	Affricates and double articulations	
ɡ̥b	may be joined by a tie bar	

brackets

vowels



suprasegmentals

ˈ	Primary stress	ˈˈ	Extra stress
ˌ	Secondary stress	[ˌfoonaˈtʃən]	
eː	Long	eˑ	Half-long
e	Short	ɛ̃	Extra-short
.	Syllable break	t_a	Linking (no break)
intonation			
	Minor (foot) break		
	Major (intonation) break		
↗	Global rise	↘	Global fall

(tone)

level tones	contour tones (e.g.)		
ē ˩	Top	ě ˩	Rising
é ˩	High	ê ˩	Falling
ē ˩	Mid	ẽ ˩	High rising
è ˩	Low	ẽ ˩	Low rising
ẽ ˩	Bottom	ē ˩	High falling
tone terracing		ē ˩	Low falling
˥	Upstep	ẽ ˩	Peaking
˥	Downstep	ẽ ˩	Dipping

diacritics

Diacritics may be moved to fit a letter, as ɸ or ɟ. Other letters may be used as diacritics of phonetic detail: ɸ (fricative release), ɸʰ (breathy voice), m̠ (glottalized), ɸ̠ (epenthetic schwa), ɸ̠ (off-glide), w̠ (compressed).

SYLLABICITY & RELEASES		PHONATION		PRIMARY ARTICULATION		SECONDARY ARTICULATION	
ɸ̠	Syllabic	ɸ̠	Voiceless or Slack voice	t̠	Dental	tʷ dʷ	Labialized
ɸ̠	Non-syllabic	ɸ̠	Modal voice or Stiff voice	t̠	Apical	tʲ dʲ	Palatalized
tʰ h̠	(Pre)aspirated	ɸ̠	Breathy voice	t̠	Laminar	tʷ dʷ	Velarized
d̠	Nasal release	ɸ̠	Creaky voice	ɸ̠	Advanced	t̠̠ d̠̠	Pharyngealized
d̠	Lateral release	ɸ̠	Strident	ɸ̠	Retracted	t̠̠ z̠̠	Velarized or pharyngealized
t̠	No audible release	ɸ̠	Linguolabial	ɸ̠	Centralized	ɸ̠̠	Mid-centralized
ɸ̠	Lowered (β̠ is a bilabial approximant)	ɸ̠		ɸ̠	Raised (ɸ̠ is a voiced alveolar non-sibilant fricative, ɸ̠ a fricative trill)		

فهرست مطالب	
صفحه	عنوان
۱	چکیده فارسی
۲	فهرست نشانه‌ها
۴	فهرست جدول‌ها، نقشه‌ها و نمودارها
۵	جدول آوانگاری بین‌المللی
فصل اول: کلیات تحقیق	
۱۳	۱-۱- مسأله‌ی پژوهش
۲۰	۲-۱- موضوع پژوهش
۲۰	۳-۱- قلمرو پژوهش
۲۰	۴-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش
۲۱	۵-۱- اهداف پژوهش
۲۱	۶-۱- کاربردهای پژوهش
۲۱	۷-۱- نوع پژوهش
۲۱	۸-۱- سؤالات پژوهش
۲۲	۹-۱- فرضیه‌های پژوهش
۲۲	۱۰-۱- مفاهیم بنیادی
فصل دوم: روش‌شناسی	
۲۶	۱-۲- مقدمه
۲۶	۲-۲- روش گردآوری داده‌ها
۲۶	۱-۲-۲- میدان پژوهش
۳۰	۲-۲-۲- روش گردآوری داده‌ها
۳۱	۳-۲-۲- نمونه‌های مورد بررسی
۳۳	۳-۲- روش توصیف و تحلیل داده‌ها
فصل سوم: پیشینه پژوهش	
۳۵	۱-۳- مقدمه
۳۵	۲-۳- ترکیب زبانی در ایران
۳۵	۱-۲-۳- زبان‌های ایرانی
۳۶	۲-۲-۳- زبان‌های غیرایرانی
۳۷	۳-۳- مباحث نظری
۳۷	۱-۳-۳- گویش‌شناسی

۴۰	۲-۳-۳- بر خورد زبانی
۴۰	۳-۳-۳- قرض گیری زبانی
۴۱	۴-۳- پیشینه پژوهش
۴۱	۱-۴-۳- مطالعات پژوهشگران خارجی
۴۲	۲-۴-۳- مطالعات پژوهشگران داخلی
فصل چهارم: توصیف و تحلیل داده‌ها	
۴۳	۱-۴- مقدمه
۴۳	۲-۴- واج شناسی
۴۳	۱-۲-۴- همخوان‌ها
۴۳	۱-۱-۲-۴- انسدادی
۵۱	۲-۱-۲-۴- انسدادی-سایشی
۵۲	۳-۱-۲-۴- سایشی
۵۴	۴-۱-۲-۴- خیشومی
۵۶	۵-۱-۲-۴- کناری
۵۷	۶-۱-۲-۴- کناری-سایشی
۵۷	۷-۱-۲-۴- زنشی
۵۸	۸-۱-۲-۴- چندزنشی
۵۸	۹-۱-۲-۴- نیم‌واکه
۵۸	۱۰-۱-۲-۴- انسدادی و لبی شده
۵۹	۲-۱-۲-۴- جدول همخوان‌ها
۶۱	۲-۲-۴- واکه‌ها
۶۵	۱-۲-۲-۴- استخراج و توصیف واکه‌ها
۶۶	۲-۲-۲-۴- واکه‌های مرکب
۶۶	۳-۲-۲-۴- جدول واکه‌ها
۶۷	۳-۲-۴- الگوی هجایی
۶۸	۴-۲-۴- خوشه‌های همخوانی
۷۱	۵-۲-۴- همخوان‌های میانجی
۷۳	۶-۲-۴- آرایش واج‌ها
۷۵	۷-۲-۴- عناصر زبرزنجیری
۷۹	۸-۲-۴- جمع‌بندی و مقایسه واج‌شناسی دو گونه
۸۰	۳-۴- صرف
۸۰	۱-۳-۴- اسم
۸۰	۱-۱-۳-۴- حالت‌های دستوری

۹۰	۴-۳-۱-۲- شمار
۹۴	۴-۳-۱-۳- نشانه اضافه
۹۶	۴-۳-۱-۴- معرفه و نکره
۹۷	۴-۳-۲- ضمیر
۹۷	۴-۳-۲-۱- ضمیر شخصی
۹۹	۴-۳-۲-۲- ضمیر اشاره
۱۰۰	۴-۳-۲-۳- ضمیر متقابل
۱۰۰	۴-۳-۲-۴- ضمیر پرسشی
۱۰۱	۴-۳-۲-۵- ضمیر مبهم
۱۰۳	۴-۳-۲-۶- ضمیر مشترک
۱۰۳	۴-۳-۲-۷- ضمیر موصولی
۱۰۳	۴-۳-۳- صفت
۱۰۳	۴-۳-۳-۱- صفت قاموسی
۱۰۸	۴-۳-۳-۲- صفت اشاره
۱۰۸	۴-۳-۳-۳- صفت پرسشی
۱۰۹	۴-۳-۳-۴- صفت مبهم
۱۰۹	۴-۳-۳-۵- صفت تعجیبی
۱۰۹	۴-۳-۴- عدد
۱۰۹	۴-۳-۴-۱- عدد اصلی
۱۱۰	۴-۳-۴-۲- عدد ترتیبی
۱۱۰	۴-۳-۴-۳- عدد کسری
۱۱۱	۴-۳-۵- قید
۱۱۱	۴-۳-۵-۱- قید زمان
۱۱۲	۴-۳-۵-۲- قید مکان
۱۱۲	۴-۳-۵-۳- قید مقدار
۱۱۲	۴-۳-۵-۴- قید پرسشی
۱۱۳	۴-۳-۵-۵- قید تأکید
۱۱۳	۴-۳-۵-۶- قید ترتیب
۱۱۳	۴-۳-۵-۷- قید شک و تردید
۱۱۳	۴-۳-۵-۸- قید تمنا
۱۱۳	۴-۳-۵-۹- قید تدریج
۱۱۳	۴-۳-۵-۱۰- قید نفی
۱۱۴	۴-۳-۶- حرف

۱۱۴	۴-۳-۶-۱- حرف اضافه
۱۱۵	۴-۳-۶-۲- حرف ربط
۱۱۶	۴-۳-۷- فعل
۱۱۶	۴-۳-۷-۱- ماده
۱۲۱	۴-۳-۷-۲- مصدر
۱۲۲	۴-۳-۷-۳- تکواژهای تصریفی فعل
۱۲۲	۴-۳-۷-۱- تکواژ استمرار
۱۲۲	۴-۳-۷-۲- تکواژهای نفی
۱۲۳	۴-۳-۷-۳- تکواژ نقلی ساز
۱۲۳	۴-۳-۷-۴- تکواژ بعید ساز
۱۲۴	۴-۳-۷-۴- شناسه‌های فعلی
۱۲۶	۴-۳-۷-۶- انواع فعل از نظر زمان، وجه و نمود
۱۲۶	۱- مضارع اخباری
۱۲۹	۲- مضارع التزامی
۱۳۰	۳- مضارع در جریان یا مضارع مستمر
۱۳۰	۴- امر
۱۳۱	۵- آینده
۱۳۱	۶- ماضی ساده
۱۳۳	۷- ماضی استمراری
۱۳۴	۸- ماضی نقلی
۱۳۶	۹- ماضی بعید
۱۳۷	۱۰- ماضی در جریان یا مستمر
۱۳۸	۱۱- صرف منفی چند فعل
۱۳۹	۴-۳-۷-۶- فعل مجهول
۱۳۹	۱- مضارع اخباری مجهول
۱۳۹	۲- امر مجهول
۱۳۹	۳- ماضی ساده مجهول
۱۴۰	۴- ماضی استمراری مجهول
۱۴۰	۴-۳-۷-۷- فعل معین یا کمکی
۱۴۳	۴-۳-۸- ساختمان فعل
۱۴۳	۴-۳-۸-۱- فعل ساده
۱۴۴	۴-۳-۸-۲- فعل پیشوندی
۱۴۴	۴-۳-۸-۳- فعل مرکب

۱۴۵	۴-۳-۹- واژه‌سازی
۱۴۵	۴-۳-۹-۱- بسیط
۱۴۶	۴-۳-۹-۲- مشتق
۱۴۸	۴-۳-۹-۳- مرکب
۱۵۱	۴-۳-۱۰- جمع‌بندی و مقایسه صرفی دو گونه
۱۵۴	۴-۴- نحو
۱۵۴	۴-۴-۱- جمله، ترتیب قرار گرفتن اجزای اصلی آن
۱۵۶	۴-۴-۲- گروه و انواع آن‌ها
۱۵۶	۴-۴-۲-۱- گروه اسمی
۱۵۸	۴-۴-۲-۲- گروه صفتی
۱۵۸	۴-۴-۲-۳- گروه قیدی
۱۵۸	۴-۴-۲-۴- گروه فعلی
۱۶۱	۴-۴-۳- مطابقت نهاد و فعل از نظر شخص و شمار
۱۶۲	۴-۴-۴- انواع جمله از نظر تعداد فعل
۱۶۲	۴-۴-۴-۱- جمله ساده
۱۶۲	۴-۴-۴-۲- جمله مرکب
۱۶۳	۴-۴-۴-۲-۱- جمله مرکب همپایه
۱۶۳	۴-۴-۴-۲-۲- جمله نامرکب ناهمپایه
۱۶۳	(۱) جمله‌های پیرو اسمی
۱۶۳	(۲) جمله پیرو وصفی
۱۶۴	(۳) جمله پیرو قیدی
۱۶۴	(۴) جمله پیرو شرطی
۱۶۵	۴-۴-۵- انواع جمله از نظر وجه
۱۶۵	۴-۴-۵-۱- امری
۱۶۵	۴-۴-۵-۲- خبری
۱۶۶	۴-۴-۵-۳- پرسشی
۱۶۶	۴-۴-۵-۴- التزامی
۱۶۷	۴-۴-۶- آهنگ جمله
۱۶۷	۴-۴-۶-۱- جمله خبری
۱۶۷	۴-۴-۶-۲- جمله پرسشی
۱۶۸	۴-۴-۶-۳- جمله امری
۱۶۸	۴-۴-۶-۴- جمله التزامی
۱۶۹	۴-۴-۷- جمع‌بندی و مقایسه نحوی دو گونه

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری	
۱۷۲	۱-۵- مقدمه
۱۷۲	۲-۵- نتیجه گیری
۱۷۴	۳-۵- پاسخ به فرضیه های پژوهش
۱۷۵	۴-۵- محدودیت ها
۱۷۶	۵-۵- پیشنهادها
۱۷۷	کتابنامه
	پیوست ها
۱۸۱	واژه نامه فارسی-براهویی
۱۹۵	واژه نامه براهویی-فارسی
۲۱۰	واژه نامه انگلیسی-فارسی
۲۱۴	واژه نامه فارسی-انگلیسی
۲۱۸	متون

فصل اوّل

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

این فصل به مباحث مربوط به کلیات پژوهش (مسأله، موضوع، قلمرو، اهمیت و ضرورت، اهداف، کاربردها، نوع پژوهش، سؤالات، فرضیه‌ها و مفاهیم کلیدی و بنیادی) می‌پردازد. در ادامه هر کدام از مطالب ذکر شده، توضیح داده می‌شود.

۱-۲- مسأله

منطقه جنوب استان کرمان، رودبارزمین، ناحیه‌ای گرمسیری است و هفت شهرستان جیرفت، عنبرآباد، رودبار جنوب، کهنوج، قلعه‌گنج، منوجان و فاریاب را در برمی‌گیرد و با شهرستان‌های رودان، میناب و بشاگرد در استان‌های هرمزگان و شهرستان دلگان در استان سیستان و بلوچستان هم‌مرز است. رودبارزمین، از تنوع گویشی و زبانی زیادی برخوردار است. گویش فارسی غالب در این منطقه، گویش رودباری است که از مجموعه گویش‌های بشاگردی (بشکردی، بشاکردی)^۱ به شمار می‌رود و به گونه‌های بسیار متعددی در هفت شهرستان رودبارزمین به کار می‌رود. در شهرستان رودبار جنوب، به مرکزیت شهر اسلام‌آباد، در روستایی به نام تم‌میری^۲، طایفه‌ای به نام «براهویی»^۳ زندگی و به زبانی غیرایرانی به همین نام تکلم می‌کنند. براهویی-های ساکن رودبار جنوب در اصل مردمانی غیرایرانی از نژاد دراویدی‌های هند هستند که به ایران مهاجرت کرده‌اند. آن‌ها به سبب دو قرن زندگی در این منطقه، در اغلب مظاهر فرهنگی از جمله مذهب، باورها و عقاید، پوشش و آداب و رسوم با رودباری‌ها همگون شده‌اند. امروزه تنها وجه تمایز براهویی‌ها با ساکنان اصیل رودبار، زبان آن‌ها است که موضوع پژوهش حاضر است. براهویی‌ها عمدتاً در بلوچستان پاکستان زندگی می‌کنند و به یک زبان دراویدی^۴ تکلم می‌کنند. بخشی از براهویی‌ها براساس تاریخ شفاهی و گفته‌های مطلعین و گویشوران محلی در حدود سیصد تا چهارصد پیش از طریق مرز پاکستان و افغانستان به جنوب شرق ایران مهاجرت کرده و در استان‌های سراوان، خاش، ایرانشهر و سیستان ساکن شده‌اند. به علت تماس نزدیک با زبان بلوچی، زبان براهویی‌ها، شدیداً تحت تأثیر زبان بلوچی قرار گرفته‌است، تا حدی که بسیاری از آن‌ها دوزبانه (براهویی و بلوچی) هستند و حتی برخی از آن‌ها تنها به بلوچی تکلم می‌کنند و خود را بلوچ می‌دانند. به همین دلیل تعداد دقیق این قوم مشخص نیست. گروهی از آن‌ها، تقریباً دو قرن پیش، از سیستان و بلوچستان به شهر کرمان مهاجرت کرده‌اند و سپس به سمت شهرستان‌های رودبار و فاریاب رفته‌اند. امروزه اغلب آن‌ها در روستای تم‌میری از توابع آبسردویی شهرستان رودبار ساکن‌اند.

^۱ Bašagardi, Baškardi, Bašakardi

^۲ Tom-Meyri

^۳ Brahui

^۴ Dravidian

۱-۲-۱- زبان دراویدی

اکثریت مردم هندوستان به یکی از زبان‌های هندی و اروپایی یا، به عبارت دقیق‌تر، به یکی از زبان‌هایی که از زبان سنسکریت منشعب شده‌اند، گفت‌وگو می‌کنند. با این حال، در بخش جنوبی این کشور زبان‌های متعددی رایج است که به یک خانوادهٔ مربوط به دوران پیش از هند و اروپایی‌ها، که هنوز در حال گسترش و شکوفایی است، وابسته‌اند. این خانوادهٔ زبانی دراویدی نام دارد و مهمترین اعضای آن عبارت‌اند از: تامیل^۱، تله‌گو^۲ و مالایالام^۳ (آرلاتو، ۱۳۸۴: ۶۲-۶۳). خانوادهٔ حدود ۷۰ زبان رایج در جنوب آسیا متعلق به خانوادهٔ زبانی دراویدی است. شمار دراویدی زبان‌ها بیش از ۲۱۵ میلیون نفر است که عموماً در هندوستان، پاکستان و سریلانکا زندگی می‌کنند. زبان دراویدی متقدم^۴ زبان مادری مشترک و بازسازی شدهٔ زبان‌شناسان برای تمام زبان‌های دراویدی است. دراویدی متقدم به سه زیر شاخهٔ اصلی (دراویدی شمالی متقدم^۵، دراویدی مرکزی متقدم^۶ و دراویدی جنوبی متقدم^۷) تقسیم می‌شود. در حال حاضر رابطهٔ همگرا در ساختار آوایی و دستوری بین دو خانوادهٔ زبانی هند و آریایی^۸ و دراویدی به خوبی اثبات شده‌است و این نیز به دلیل تماس نزدیک این دو خانوادهٔ زبانی است که به هزارهٔ دوم قبل از میلاد برمی‌گردد. از گونه‌های زبانی خانوادهٔ هند و آریایی، زبان سنسکریت^۹ است. با مطالعهٔ متن سنسکریتی ریگ‌ودا^{۱۰} مشخص می‌شود که بیش از دوازده وام‌واژهٔ دراویدی در این متن وجود دارد. حضور همخوان‌های برگشتی در زبان سنسکریت نیز دلیلی دیگر برای اثبات تماس دو خانوادهٔ زبانی با یکدیگر بوده است. گروهی از خانوادهٔ دراویدی‌ها به حاشیهٔ هند مهاجرت و در مناطق آریایی‌نشین ساکن شده‌اند. این گروه‌ها شامل براهویی‌ها در شمال‌غرب و کوروخ و مالتو در شرق هند می‌باشند که هر سه به شاخهٔ شمالی خانوادهٔ دراویدی تعلق دارند. در بین این سه زبان، براهویی‌ها در دورترین فاصله جغرافیایی نسبت به سرزمین اصلی خود یعنی هند قرار دارند. براهویی‌ها تقریباً هیچ‌کدام از ویژگی‌های کهن دراویدی متقدم را حفظ نکرده‌اند. این زبان قرن‌هاست با زبان‌های هندوآریایی مانند ایرانی آمیخته و توسط این زبان‌ها احاطه شده است. هم‌اکنون تنها پنج درصد از کلمات به کار رفته در زبان براهویی اصالت دراویدی دارند (بریتانیکا، مدخل زبان دراویدی، ۲۰۰۳). در نمودار ۱-۱-، تقسیم بندی خانواده زبان‌های دراویدی نشان داده شده‌است.

¹ Tamil

² Telegu

³ Malayalam

⁴ Proto-Dravidian

⁵ Proto-North-Dravidian

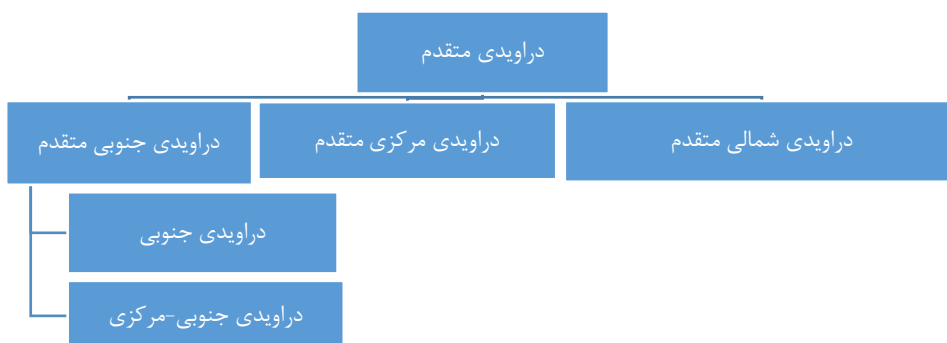
⁶ Proto-Central-Dravidian

⁷ Proto-South-Dravidian

⁸ Indo-Aryan

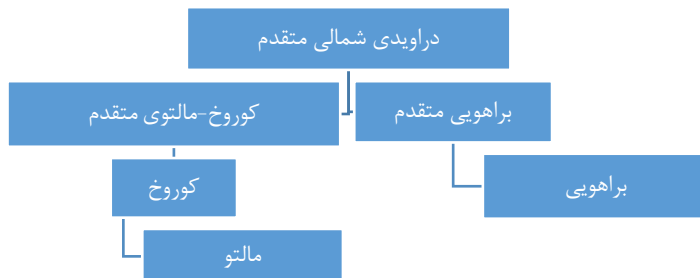
⁹ Sanskrit

¹⁰ Rigveda



نمودار ۱-۱- شاخه خانواده زبان‌های دراویدی (بریتانیکا، مدخل زبان دراویدی).

در نمودار ۱-۲، شاخه شمالی خانواده زبانی دراویدی نشان داده شده است.



نمودار ۱-۲- شاخه شمالی خانواده زبانی دراویدی (بریتانیکا، مدخل زبان دراویدی).

۱-۲-۲- براهویی

براهویی، نام طایفه‌ای براهویی زبان متعلق به خانواده زبان‌های دراویدی است که در کشورهای پاکستان، افغانستان و ایران گویشورانی دارد.

وجه تسمیه: درباره وجه تسمیه «براهویی» دو نظر متفاوت وجود دارد: در دایرة المعارف بریتانیکا، آمده است که اصطلاح «براهویی» یک واژه بسیار کهن و مطلقاً دراویدی است (بریتانیکا، مدخل براهویی). اما الفنبین احتمال دراویدی بودن آن را بسیار کم می‌داند و احتمال می‌دهد که صورتی از نام «ابراهیم» در گویش‌های سیراکی^۱ و جتکی^۲ از گویش‌های امروزی پاکستان باشد که ضمناً تأکیدی است بر مسلمان بودن براهویی‌ها در مقابل «جَت»‌ها، که همسایگان هندوی آن‌ها هستند (الفنبین، ۱۹۸۹: ۴).

^۱ Siraiki

^۲ Jatki

زبان براهویی: زبان براهویی، عضو جدامانده خانواده زبانی دراویدی است که گاهی به صورت براهودی^۱ و براهوییگی^۲ (اتنولوگ^۳، مدخل زبان براهویی)، بروهی، بروهکی و کورگالی نیز ثبت شده است. گروهی زبان براهویی را کردگالی خوانده و به اشتباه آن را با زبان کردی مرتبط دانسته‌اند (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل براهویی). زبان براهویی متعلق به شاخه شمالی از خانواده زبانی دراویدی است. اولین حضور مشخص براهویی‌ها در تاریخ به قرن هفدهم میلادی و در نوشته‌های به جا مانده از مغول‌ها در خناتة^۴ کلات برمی‌گردد. احتمالاً براهویی‌ها از نزدیک‌ترین همسایگان خود یعنی دراویدی‌های کوروخ و مالتی در قرن هفتم شروع به جدا شدن کرده و به سمت شمال غربی مهاجرت کردند (الفنبین، ۱۹۸۶ : ۴). زبان براهویی در بلوچستان و عمدتاً در قسمت پاکستانی آن صحبت می‌شود. کلات، کراچی و حیدرآباد سه شهر دیگری هستند که به میزان زیادی براهویی زبان‌ها در آنها زندگی می‌کنند و اکثر آنها دوزبانه^۵ (براهویی و بلوچی) هستند. زبان براهویی شامل سه گویش اصلی است: ۱- سراوانی^۶ ۲- جهلوانی^۷ ۳- کلاتی^۸ (اندرونوو، ۱۹۸۰ : ۵-۶). این زبان به سبب جدا ماندن از دیگر اعضای خانواده زبانی دراویدی و همچنین به سبب چندزبانه بودن و در اقلیت بودن گویشوران، از زبان‌های غیردراویدی همجوار خود تأثیر بسیاری پذیرفته است.

نوشتار: نظام نوشتاری براهویی با نظام نوشتاری دیگر زبان‌های دراویدی متفاوت است. براهویی خط خاصی ندارد و متون امروزی آن عمدتاً با خط فارسی نستعلیق نوشته می‌شود. در مورد پیشینه خط براهویی نظریه‌های گوناگونی وجود دارد. از آن جمله گفته‌اند که ابتدا این زبان را به خط «هیروگلیف»^۹ می‌نوشتند و سپس نظام نوشتاری «موهنجودارو»^{۱۰} جایگزین آن شد. با آن که این نظریات هنوز به اثبات نرسیده است، اما این نکته تقریباً مسلم است که براهویی‌ها پیش از اسلام از خط «خروشتی»^{۱۱} برای نگارش استفاده می‌کرده‌اند و پس از ورود اسلام، رسم الخط فارسی و عربی جایگزین آن گردیده است. سکه‌ها، کتیبه‌ها و کتاب‌هایی که به این زبان تا قرن هجدهم میلادی موجودند، همگی به فارسی و عربی نگاشته شده‌اند (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل براهویی).

¹ Brahuidi

² Brahuigi

³ Ethnologue

⁴ Khanate

⁵ Bilingual

⁶ Sarawani

⁷ jhalawani

⁸ Kalati

⁹ Hieroglyph

¹⁰ Mohenjo-daro

¹¹ Kharoshthi

خاستگاه قومی: بنا بر نظر تیت، براهویی‌ها، در اصل قسمتی از ایل ماماسنی (با مَمَسنی) بودند که در جنوب شرقی پنجگور^۱ در جبیری تمرکز و استقرار داشتند. ماماسنی‌ها که در اصل لر هستند، در بلوچستان به محمد حسنی معروف‌اند از تشابه نام براهویی‌ها با بعضی از طایفه‌های گُرد ساکن کلات (محل استقرار اولیه براهویی‌ها) مانند برادوست یا براخوی، برخی‌ها احتمال داده‌اند که براهویی‌ها در اصل گُرداند. برخی از محققان براهویی‌ها را در اصل همان طایفه کوفچ یا قُقص ساکن کوه‌های کرمان دانسته‌اند (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل براهویی). برخی هم آنها را بازمانده درویدی‌های کهنی دانسته‌اند که در ۳۰۰۰ ق.م از شمال غربی به هند هجوم بردند. بعضی نیز به این عقیده‌اند که آنها از مهاجران نواحی مرکزی هند به سوی کلات بوده‌اند (الفنبین، ۱۹۸۹: ۱-۵).

پراکندگی: طوایف براهویی در این مناطق ساکن بوده‌اند و برخی هنوز هم در از این مناطق ساکن هستند: ۱. پاکستان (بلوچستان، سند، کراچی، حیدرآباد، پنجگور، کویت و کلات) ۲. افغانستان (چهار برجک، شراوک و نوشکی) ۳. ترکمنستان (واحه مرو) ۴. ایران (سیستان، سراوان، خاش و ایرانشهر) (همان: ۵).

پیشینه تاریخی: براهویی‌ها در دوره‌ای نسبتاً طولانی - از دوره اواخر صفوی تا اواخر دوره قاجار - یکی از قدرتمندترین گروه‌های حکومتگر بلوچستان بوده‌اند. آنان در زمان نادرشاه با تشکیل اتحادیه‌ای از طوایف مختلف، حکومت قسمت عمده بلوچستان را در دست گرفته‌اند و قدرت بسیاری یافته‌اند. در زمان سلطنت شاه جهان تیموری، حکومتی منسجم و و قوی با عنوان خان‌نشین کلات ظهور کرد که اقتدار آن بر پایه نظام پیچیده اتحادیه براهویی و بلوچ‌های رند و لشاری و دھواری‌های کشاورز استوار بود. مؤسس دولت براهویی را قنبر، نیای طایفه شبانان قنبرانی می‌دانند که در اواسط شده هفدهم به دعوت یکی از راجه‌های هندوستان با افغانه مهاجم به بلوچستان جنگیدند و پس از شکست افغان‌ها بر منطقه تسلط یافتند. مقارن با لشکرکشی نادرشاه، براهویی‌ها در کلات حکومت داشتند. نادر شاه حکومت آنها را به رسمیت شناخت و به آنها لقب بیگلربیگی داد. براهویی به همراه افغان‌ها در سال ۱۸۳۹ از پیشروی انگلیسی‌ها جلوگیری کردند (جانب‌اللهی، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

جمعیت: شمار دقیق براهویی‌زبانان مشخص نیست. از آنجایی که اکثر آنها دوزبانه هستند و به زبان بلوچی نیز صحبت می‌کنند، بسیاری از آنها خود را بلوچ می‌دانند (اندرونوو، ۱۹۸۰: ۵). بنابر گزارش اتنولوگ در سال ۲۰۱۳، حدود ۴/۲ میلیون گویشور براهویی در جهان وجود دارد. عمده گویشوران این زبان، در ایالت بلوچستان پاکستان زندگی می‌کنند به سبب مهاجرت براهویی‌ها به کشورهای همسایه پاکستان، زبان

¹ Panjgur

براهویی در خارج از پاکستان نیز گویشورانی دارد. این کشورها براساس تعداد گویشوران براهویی به ترتیب عبارتند از: افغانستان، ایران، هند، ترکمنستان و امارات متحده عربی.

تاریخ ورود به ایران: گزارش‌های مکتوبی دربارهٔ زمان اقامت براهویی‌ها در سیستان ایران در دست نیست. حتی مؤلف جغرافیای نیمروز که کتاب خود را در ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱ م تألیف کرده، و شمار طوایف سیستانی را ذکر کرده، از براهویی‌ها نام نبرده است. اما سه دهه بعد، از حضور هزار براهویی در سیستان خبر می‌دهد. براهویی‌ها پس از مهاجرت به سیستان، با طایفهٔ قدرتمند سربندی متحد شدند. براهویی‌های نیمه چادرنشین نخست در سیستان سکونت داشتند اما در ادامه به خاش، ایرانشهر و سراوان نیز مهاجرت کرده‌اند (جانب‌اللهی، ۱۳۸۱: ۱۳۵-۱۴۹). بر اساس ادبیات شفاهی و گفتهٔ مطلعین محلی، گروهی از براهویی‌ها در حدود سیصد تا چهارصد سال گذشته از طریق مرزهای پاکستان وارد سیستان و بلوچستان شده‌اند. گروهی از آنها حدود دو قرن پیش، از مرزهای مشترک سیستان و بلوچستان با کرمان، وارد این استان شده‌اند و در مناطقی از کرمان، رودبار و فاریاب اقامت کرده‌اند.

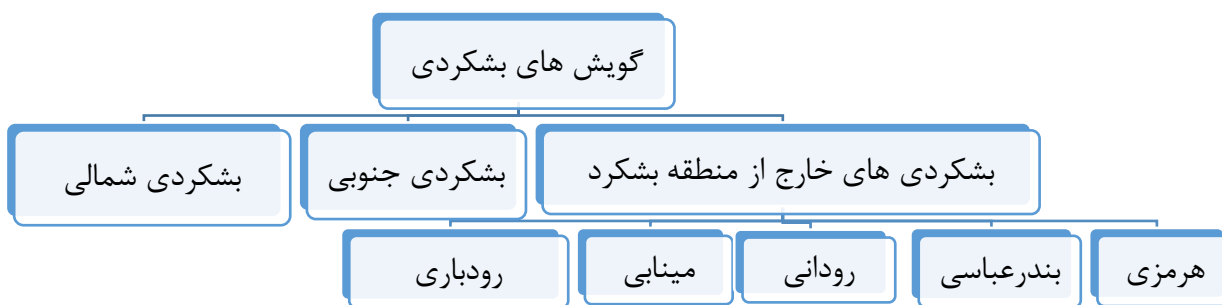
۳-۲-۱- گونهٔ براهویی رودباری

براهویی‌های منطقهٔ رودبارزمین، اگرچه از منطقهٔ سیستان و بلوچستان به این دیار آمده‌اند، اما بعد از گذشت حدود دو قرن از این مهاجرت، و دو قرن آمیختگی با مردمان رودبارزمین، تمامی پیوندهای نژادی و عاطفی خود را با هم‌نژادان خود در آن منطقه گسسته‌اند. به دلیل در اقلیت بودن و نیاز به ارتباط با میزبانان خود، زبان اکثریت (گویش رودباری) را فراگرفته و در زندگی روزمرهٔ خود به کار برده‌اند. علاوه بر رودباری، در دهه‌های اخیر، به سبب تحولات اجتماعی فراوان، زبان فارسی نیز به جمع زبان‌های مورد استفادهٔ این مردم، به ویژه قشر جوان و میانسال افزوده شده است. در نتیجهٔ این سه‌زبانگی، گونهٔ زبانی آن‌ها با براهویی متداول در بلوچستان متفاوت گشته است. دو قرن مجاورت و همزیستی با بومیان اصلی منطقه و استفاده از گویش رودباری برای تعامل با آن‌ها، باعث به وجود آمدن گونه‌ای جدید از زبان براهویی شده است که آن را می‌توانیم گونهٔ براهویی رودباری بنامیم. بنابر آمار دهیاری این روستا، تعداد براهویی‌های این منطقه ۷۵۰ نفر و ۱۵۵ خانوار است. همجواری با مردم رودبارزمین و آمیختگی با آنها در طول این دو قرن، باعث شده است براهویی‌ها در اغلب مؤلفه‌های فرهنگی با رودباری‌ها همگون شوند. دین براهویی‌ها اسلام و مذهب آنها تسنن بوده است، لیکن براهویی‌های رودبارزمین همگی تغییر مذهب داده و شیعه شده‌اند. نوع پوشش، آداب و رسوم و آیین و مراسم براهویی‌ها هیچ تفاوتی با رودباری‌های اصیل ندارد. امروزه تنها وجه تمایز براهویی‌ها با رودباری‌های اصیل، تفاوت‌های ظاهری و زبان است؛ براهویی‌های رودبار همگی سه‌زبان‌اند. آنها در بین

خود، به زبان براهویی تکلم می‌کنند و در برخورد با رودباری‌ها، به گویش رودباری و در برخورد با غیررودباری‌ها، از زبان فارسی گفتاری استفاده می‌کنند.

۴-۲-۱- گویش رودباری

گویش رودباری از دیدگاه تبارشناسی زبان‌های ایرانی، یکی از گویش‌های نو ایرانی غربی جنوبی به شمار می‌رود. در تقسیم‌بندی دیگری از زبان‌های ایرانی نو، در مجموعه «راهنمای زبان‌های ایرانی»^۱ ویراسته اشمیت^۲ که بیشتر مبتنی بر همجواری جغرافیایی و هویت قومی است، گویش رودباری از زیرشاخه‌های گروه گویش‌های بشکردی به حساب آورده شده است. گرشویچ^۳، گویش‌های بشکردی را به سه زیرگروه تقسیم کرده است: ۱- بشکردی شمالی، ۲- بشکردی جنوبی و ۳- گویش‌های بشکردی خارج از منطقه بشکرد. وی آن‌گاه رودباری را در کنار گویش‌های مینایی، بندرعباسی، رودانی و هرمزی در گروه سوم جای داده است. در نمودار ۱-۳، گویش‌های بشکردی نشان داده می‌شود.



نمودار ۱-۳- گویش‌های بشکردی (اشمیت، ۱۳۸۳: ۵۹۹)

۵-۲-۱- زبان‌شناسی توصیفی و تطبیقی

زبان‌شناسی توصیفی، شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که با نگاهی توصیف‌گرایانه به زبان می‌نگرد که شرط لازم برای آن، مشاهده مستقیم پدیده‌های زبانی است. هدف این مطالعات، توصیف نظام آوایی، واجی، صرفی، نحوی و در نهایت جمع‌آوری زبان‌ها است. این مطالعات، محدود به ضبط و تجزیه و تحلیل داده‌های زبانی یک زبان در مقطع خاصی از زمان و موارد کاربرد آن بدون اشاره به تاریخچه و مقایسه با زبان‌های دیگر است. اگرچه زبان براهویی جزو خانواده زبانی دراویدی و از خانواده‌های غیر از خانواده زبانی هندی و اروپایی است و گویش رودباری (که جزو گویش‌های ایرانی نو است) متعلق به خانواده زبانی هندی و اروپایی هستند، اما پژوهش حاضر در حوزه زبان‌شناسی تطبیقی قرار می‌گیرد؛ زیرا در این پژوهش علاوه بر بررسی این دو

¹ Compendium Linguarum Iranicarum

² R, Schmitt

³ I, Gershevitch

گونه در مقوله‌های واج‌شناسی و صرف و نحو، به میزان و چگونگی تأثیرپذیری احتمالی براهویی رودباری از گویش رودباری و احتمالاً تأثیراتی که گویش رودباری بر روی براهویی رودباری گذاشته است، اختصاص دارد. همان‌گونه که قبلاً گفته شد، زبان براهویی از خانواده زبانی دراویدی، و گویش رودباری که جزو گویش‌های ایرانی نو است متعلق به خانواده زبانی هندی و اروپایی است لذا این دو، از نظر خانواده و تبار، هیچ اشتراکی با یکدیگر ندارند. در مطالعات تاریخی- تطبیقی، سیر تحولات تاریخی دو یا چند زبان، از قدیم‌ترین شکل آن‌ها که زبان مشترک و زبان مادر محسوب می‌گردد، بررسی و مقایسه می‌گردد. بدیهی است که در مورد براهویی و رودباری که از دو خانواده زبانی متفاوت نشأت گرفته‌اند و دارای منشأ مشترکی نیستند. نمی‌توان چنین رویکرد تاریخی‌ای اتخاذ کرد. لذا به نظر می‌رسد که مقایسه این دو گونه زبانی با هم، تنها باید با رویکرد تطبیقی صورت گیرد که شامل بررسی قواعد و ویژگی‌های هر یک از این دو گونه زبانی در سطح واجی و صرفی و نحوی و آنگاه کشف قواعد و عناصر مشترک و نیز کشف تأثیرات زبانی احتمالی متقابل آن دو بر یکدیگر در هر یک از سطوح است.

۳-۱- موضوع

موضوع این پژوهش «توصیف ساختاری گونه براهویی رودباری و مقایسه آن با گویش رودباری» است.

۴-۱- قلمرو

قلمرو مکانی این پژوهش، روستای تم‌میری، از توابع شهرستان رودبار (اسلام آباد) استان کرمان است. قلمرو زمانی پژوهش حاضر، تابستان ۱۳۹۴ تا تابستان ۱۳۹۷ بوده است. قلمرو موضوعی این پژوهش، گویش‌شناسی، زبان‌شناسی توصیفی، زبان‌شناسی تطبیقی و جامعه‌شناسی زبان است.

۵-۱- اهمیت و ضرورت

بر طبق گزارش‌های یونسکو، زبان براهویی در فهرست زبان‌های در معرض نابودی جهان قرار دارد و انجام چنین پژوهشی، که اقدام مهمی در جهت ثبت و گردآوری آن است هم اهمیت بسزا و هم ضرورت فراوانی دارد. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش آنگاه آشکارتر می‌گردد که بدانیم گونه رودباری این زبان، کمتر از ۱۰۰۰ گویشور دارد و نسبت به سایر گونه‌های براهویی در معرض آسیب بیشتری است. زبان براهویی جزو معدود زبان‌های غیرایرانی است که به ایران نفوذ کرده و قرن‌ها در تماس و برخورد با زبان‌های ایرانی بوده است. بررسی تأثیرات متقابل احتمالی این زبان‌ها بر یکدیگر، از موضوعات جالب در حوزه زبان‌شناسی تطبیقی و جامعه‌شناسی زبان است. براهویی‌های رودبار جنوب به عنوان قومی غیرایرانی که امروزه ایرانی محسوب می‌شوند دارای ادبیات شفاهی هستند و شناخت گویش آن‌ها کلید ورود به ادبیات عامیانه آنهاست

و بدون آن ضبط و گردآوری این ادبیات غیرممکن خواهد بود. لذا از دیدگاه ادبیات و مردم‌شناسی نیز این پژوهش ضرورت و اهمیت می‌یابد.

۱-۶- اهداف

هدف اصلی:

هدف اصلی این پژوهش، توصیف ساختاری براهویی رودباری و مقایسه آن با گویش رودباری است. این بررسی در حوزه‌های واج‌شناسی و دستوری (صرف و نحو) انجام شده است.

اهداف فرعی:

۱- کمک به تدوین اطلس گویش‌شناسی ایران و به‌ویژه استان کرمان

۲- کمک به گردآوری گونه‌های زبانی غیرایرانی موجود در ایران

۳- برآورد میزان تأثیر احتمالی گویش رودباری بر براهویی رودباری

۴- فراهم کردن نقشه شناسایی گویش‌های ایرانی

۱-۷- کاربردها

بخش گویش‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، اطلس‌های گویش‌شناسی ایران و خارج از ایران، بخش زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بنیادها و پژوهشکده‌های ایرانشناسی داخل و خارج از ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهش‌های زبانی بخش برون مرزی صدا و سیما، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی و پژوهشگران و علاقه‌مندان به پژوهش‌های گویشی می‌توانند از دستاوردهای پژوهش حاضر استفاده کنند.

۱-۸- نوع پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی بنیادی و از نوع توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی، به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده می‌پردازد.

۱-۹- سؤالات

۱- نظام واجی براهویی رودباری چیست و از گویش رودباری چه تأثیرات احتمالی پذیرفته است؟

۲- نظام صرف و نحو براهویی رودباری چگونه است و چه شباهت‌های احتمالی با گویش رودباری دارد؟